

شروع طبیعی در حیات مادی از نظرگاه نهج البلاغه و شواهد قرآنی آن

زهرا کریمی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۵

منوچهر قاسمی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۴

چکیده

آدمی در برخورد با امور ناخوشایندی همچون درد، رنج، اندوه، بیماری و مرگ و انواع بلایا متوجه می‌شود که دنیا و هستی پیش رویش آکنده از ناملایماتی است که می‌تواند اندیشه او را هم مانند جسمش تحت تأثیر قرار دهد. فیلسوفان در برخورد با این امور ناخوشایند بوده که به اندیشه در باب شروع توجیه عقلانی آن برآمدند. در این زمینه آراء فراوانی از متفکران غربی و اسلامی وجود دارد، لیکن ما لازم دیدیم که به جست‌وجوی این مهم در اندیشه حضرت امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه بپردازیم تا دریابیم مسأله شر که به عنوان یکی از دستاویزهای ملحدان از زبان بزرگان دینی همچون اسلام چه جایگاه و چه توجیهی دارد؟ در بادی امر باید توجه نمود که ایشان منکر وجود شروع طبیعی و مابعدالطبیعی نیستند بلکه آن را از اقتضات دنیای مادی دانسته و به علاوه هیچ وجهی برای شروع اخلاقی قائل نمی‌باشند. در مورد شروع طبیعی و مابعدالطبیعی؛ باید گفت که بر اساس حکمت الهی وجود این شروع در عالم نیز، برای وصول به اهدافی است که از جمله آن می‌توان به امتحانات و آزمایش‌های الهی و پاک شدن از گناه اشاره کرد. تا بهتر بتواند خود را برای دنیای برقرار و جاوید آماده کند و بهشت را که عاری از زوال و اقسام شروع است برای خود برگزیند.

کلیدواژگان: نهج البلاغه، مسأله شر، دنیا، مرگ، بهشت، شاهد قرآنی.

Entezar.zk12@yahoo.com

* کارشناسی ارشد فلسفه دین، دانشگاه علامه طباطبایی.

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. Ghasemi.masiha@gmail.com

نویسنده مسئول: زهرا کریمی

مقدمه

یکی از مباحث بسیار مهمی که در فلسفه دین مطرح است، مربوط به مسأله‌ای به نام "شر" است که بیش از پیش تبدیل به دستاویزی برای ملحدان و خداناباوران شده است. به گونه‌ای که فیلسوف نامی آلمانی از آن به عنوان "پناهگاه الحاد" نام برده است (مجموعه نویسندگان، ۱۳۷۹: ۱۷۶). در ابتدا باید بدانیم که فیلسوفان شرور را به دو دسته کلی شرور طبیعی و اخلاقی دسته بندی نموده‌اند. شرور طبیعی آن دسته از شروری هستند که به سبب عوامل طبیعی به وجود می‌آیند. مانند مرگ و میر ناشی از بلایای طبیعی همچون زلزله و... . شرور اخلاقی نیز به واسطه انسان ایجاد شده و شامل جنایات بشری و افعال قبیح انسانی می‌شود (پترسون و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۸). بدیهی است که شرور طبیعی و مابعد الطبیعی از آن دسته از شروری هستند که رخداد آن‌ها به دست بشر نبوده و اجتناب ناپذیر می‌باشند. در مقابل شرور اخلاقی به وسیله انسان به عنوان موجودی ذی شعور و مختار شکل می‌گیرند و وجود و یا عدم آن‌ها به خود انسان بستگی دارد.

نظر به عواقب ناخوشایند و متعدد پدیده الحاد و گستردگی بسیار زیاد این پدیده، لازم است که متألهان و فیلسوفان بیش از پیش به این امر و توضیح صحیح آن مبادرت بورزند. تا کنون فیلسوفان زیادی به تبیین مسأله شر پرداخته‌اند. اما در بسیاری از موارد پاسخ‌ها منجر به کوتاه آمدن برخی از این اندیشمندان در مورد قدرت مطلقه خداوند شده است. مانند تلاش الهیات پویشی برای پاسخ به مسأله شر که معتقد است خداوند همراه با جهان در حال پویش است و در واقع برای فرار از معضل شر و ایجاد رابطه همراه سازگاری میان خداوند و شرور به محدود کردن قدرت مطلقه خدا تن داده و خداوند را علت تامه هستی ندانسته و بنابراین معتقد شده‌اند که بدین صورت خداوند دیگر خالق شرور نیست. اگر خداوند علت ناقصه باشد تنها شرط لازم است و نه شرط ضروری (تبار صفر، ۱۳۸۴: ۹۳) و یا اینکه چون ثنویه برای گریز از شر قائل شده‌اند که مبدأ خلقت خیر و شر یک منبع واحد نیست. مبدأ خیر و نیکی‌ها خداوند است و منبع شرور یک قدرت بزرگ دیگری است که خدای نیکی‌ها به سبب ناتوانی‌اش از دفع شرور خلق شده آن عاجز است (تبار صفر، ۱۳۸۴: ۹۱). بدیهی است که این قسم پاسخ‌ها نمی‌تواند برای

پیروان ادیان الهی قانع کننده باشد. چراکه ایشان قائل به قدرت مطلقه خداوند هستند و دوئیت و یا پویش در جهان این قدرت مطلق را نفی می‌کند.

از جمله پاسخ‌هایی که فیلسوفان مسلمان به این مسأله داده‌اند، می‌توان به پاسخ ملاصدر/ اشاره کرد که معتقد به عدمی بودن شرور است. به این معنا که شرور در واقع عدم و فقدان کمالات هستند و از این رو نیازی به خالق هم ندارند (شاهرودی، دارابی، ۱۳۹۵: ۲) یعنی شرور به خودی خود و از خود وجودی ندارند که برای آن‌ها به دنبال خالق باشیم. بلکه این شرور در واقع در نتیجه عدم و فقدان امور وجودی هستند که نمایانده می‌شوند. به علاوه/بن سینا هم شر را امری عدمی می‌داند. او شرور را به دو دسته شر بالذات و شر بالعرض تقسیم کرده و معتقد است که تنها راه وصول به خیر در اشیاء ضرورتاً متوقف بر شر است و چون شر در مقیاس با خیر موجود در اشیاء کم‌تر است آن را شر قلیل می‌نامد (نصری، اعتمادی نیا، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

فارغ از اینکه فیلسوفان حوزه فلسفه اسلامی چه رویکردی در باب مسأله شر دارند، می‌توان به آراء بزرگان اسلام نیز مراجعه کرده و نظر ایشان را در باب موضوع حاضر دریافت کرد، و دید که آن‌ها به عنوان نمایندگان دینی و سخنگویان دین چگونه رویکردی در باب این مسأله و سایر مسائل دارند.

در واقع به این صورت به گونه‌ای به فهم رویکرد دین در پاسخ به این سؤال هم دست می‌یابیم. برای دستیابی به این مهم بررسی آثار مکتوب به جای مانده از این بزرگان می‌باشد. یکی از شخصیت‌هایی که از وی آثار و نقل قول‌های فراوانی به دست ما رسیده است؛ حضرت امیر المؤمنین علی(ع) است که صاحب یکی از منابع معتبر و مورد استفاده تشیع، نهج البلاغه است. در این مقاله در صدد پاسخ به سؤالات پیش رو هستیم:

- آیا مواردی از مصادیق شرور در نهج البلاغه وجود دارد تا بتوانیم بگوییم که این

مسأله شامل چنین مسائلی هست یا خیر؟

- آیا حضرت قائل به وجود واقعی شرور هستند؟

- به نظر حضرت(ع) دلیل وجود شرور در جهان که مخلوق خدای قادر مطلق است،

چیست و آیا این شرور منافاتی با مطلق بودن قدرت خداوند دارد یا خیر؟ شواهد

قرآنی کلام امیر المؤمنین چه آیاتی هستند؟

نکته‌ای که در بدو امر و در جهت پاسخگویی به سؤالات فوق بیان داریم این است که امام علی(ع) آنچنان که از محتوای برخی از خطبه‌های‌شان پیداست، به هیچ روی منکر وجود شرور طبیعی در جهان نیستند. بلکه با نگاهی کوتاه به کتاب نهج البلاغه که اکنون مورد بحث ماست به راحتی می‌شود فهمید که ایشان اساساً دنیا را به این دلیل که آبستن شرور متعدد و فراوان است مورد نکوهش قرار داده‌اند.

به علاوه ایشان وجود شرور و دگرگونی و رنج‌ها را از عوارض تعنیات بدنی می‌دانند و به نوعی آن را از خواص انسان مادی و جهان ماده می‌دانند. چراکه بلافاصله اشاره می‌دارند که فرشتگان به سبب تجردشان از ماده و عالم مادی از این نقایص به دور هستند(نهج البلاغه، شرح ابن میثم، خطبه ۱۰۶: ۱۰۱). به علاوه از آنجایی که امام(ع) خداوند را حکیم می‌دانند، معتقدند که تمامی افعال با اراده و حکمت و تدبیر خاص خداوند اتفاق می‌افتد و اگر خداوند به چیزی امر کند، آن چیز نه مؤخر می‌شود و نه مقدم بر امر دیگری(نهج البلاغه، عزالدین جعفر آملی، خطبه ۱: ۱۲۷) و همچنین از مراتب اعتقاد به عدل خداوند را این مسأله می‌دانند که آدمی به ظن خود گمان نکند که فعل خداوند بدون حکمت است(قرشی بنایی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۱۶۷). در ادامه به بررسی اصطلاحاتی که امام با آن‌ها شرور در دنیا را یادآوری می‌فرمایند بررسی می‌نماییم.

۱. جهان تیره و بلای چیره

این عبارت در خطبه بسیار معروف امام(ع) موسوم به شقشقیه ذکر شده است. بلاها در دنیا آنچنان سخت و دشوار خودنمایی می‌کنند که خردسال را پیر کرده و پیران را فرسوده می‌کنند(نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، خطبه ۳: ۱۰).

۲. گرداب‌های بلا

از نظرگاه امام(ع) دنیا سراسر گرداب بلاست که برای رهیدن از آن باید به کشتی نجاتی(ائمه و انبیا) متوسل شد(همان، خطبه ۵: ۱۲).

شاهد قرآنی: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ (البلد/۴)

آنگونه که در تفسیر «المیزان» می‌خوانیم "کبد" به معنای سختی و مشقت است. از سیاق آیه به دست می‌آید که رنج و مشقت بر تمام شئون حیات دنیایی احاطه دارد (طباطبایی، ج ۲: ۲۹۱).

۳. زندگی کوتاه

امام همواره مردم را به دقت در این امر دعوت فرموده‌اند که دنیا کوتاه و در حال گذر است و تنها فایده آن این است که محل گردآوری زاد و توشه آخرت است. از دیدگاه ایشان دنیا خیلی زود از آدمی رو برمی‌گرداند، بنابراین شایسته است که انسان فرزند آخرت باشد و از زیبایی‌های دنیا بپرهیزد (همان، خطبه‌های ۴۱ و ۴۲: ۴۰-۴۴). شاهد قرآنی: ﴿وَيَوْمَ يَخْسِرُهُمُ كَانُ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ...﴾ (یونس/ ۴۵) برخی از مفسران بر این باور هستند که آیه فوق به فاصله اندک دنیا و آخرت در نزد منکران قیامت دلالت دارد و آنان دنیا و زندگی در دنیا را آنقدر ناچیز می‌شمارند که گویی تمام ادوار زندگی‌شان به اندازه یک روز بوده است (طباطبایی، ج ۱: ۶۹).

۴. نیستی و مرگ

ایشان در وصف دنیا و بی‌وفایی آن، آن را به امری ناپایدار و گریزان تشبیه کرده که همواره ساکنان خود را به تحرک و حرکت وادار می‌دارد و به منزل نیستی و مرگ می‌رساند. شیرین در این دنیا در حقیقت تلخ است و زشتی آن در حقیقت تار و تیره است (همان، خطبه ۵۲). امام در خطبه ۸۲ پس از بیان مراحل رشد و تطور انسان از هنگامه جنینی تا جوانی اشاره می‌کنند که انسان زمانی که به دوران رشد و کمال جوانی می‌رسد، شروع به تکبر و غرور و رزوی می‌کند و به این ترتیب آرام آرام از مدار حق خارج می‌شود و بیش‌تر همت خود را صرف دنیا می‌کند و به هرآنچه که نفسش خواهش داشت عمل می‌کند تا اینکه دچار بلا و ناکامی می‌شود در حالی که بیش‌تر عمر خود را مصروف دنیا و خوشی‌های آن کرده بود و احتمال چنین گرفتاری را نمی‌داد. در آن لحظات پایانی دچار غم و اندوه و بیماری شده و در سختی و مشقت پایان عمر و سكرات مرگ فرو می‌رود و

بدون مقاومت و با بدنی لاغر و نحیف و کفن پوشیده وارد قبر می‌شود(نهج البلاغه، انصاریان، خطبه ۸۲: ۱۶۵).

شاهد قرآنی: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْحَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ (الأنبياء / ۳۵)
طباطبایی با توجه به قرینه بودن آیه قبلی و ذکر واژه بشر در آن به این نتیجه می‌رسد که مراد از کلمه "نفس" انسان است و منظور حیوانات و نباتات و یا اجنه نبوده‌اند(طباطبایی، ج ۱۴: ۲۸۶).

۵. ناکامی در تمتع از دنیا و بازیچه بودن زندگی دنیا

بنا بر فرمایش امام(ع) در خطبه ۶۸ انسان می‌بایست هرگاه که بیش از پیش با دنیا انس گرفت، بیش‌تر از آن بترسد. چراکه اغلب دنیاداران زمانی که بیش‌تر به دنیا اعتماد می‌کنند، بیش‌تر از آن ناکام می‌مانند و آن زمان که بیش‌تر بدان مشغول هستند، دچار وحشت از آن می‌شوند(نهج البلاغه، سید کاظم ارفع، خطبه ۶۸: ۱۱۶۱).

به علاوه امام در پندنامه شماره ۳۱ نهج البلاغه به این مضمون اشاره می‌کنند که دنیا محل عبور و به سان خانه‌ای است که دیر یا زود باید از آن کوچ کرد. یکی از اقتضائات دنیا ناکامی در آن است و انسان نهایتاً طعمه مرگ است و احدی از افراد بشر توان فرار از آن را ندارد. انسان مطلقاً نباید سرگرم دنیا شود و تذکر می‌دهند که نباید به این بهانه که مرگ دیرتر به سراغم می‌آید توبه را به تعویق بیندازد. چراکه مرگ همواره در کمین است و روزی میان انسان و آرزوهایش جدایی خواهد افکند(نهج البلاغه، اسدالله مبشری، ج ۲: ۸۲، ۱۳۷). دنیا همچون کمانداری است که مرگ را در کمان گذاشته و آماده پرتاب است و تیرش هرگز به خطا نمی‌رود. بر انسان زنده مرگ وارد می‌شود و بر انسان سالم و ناپیمار، مریضی. به همین دلیل است که آدمی نباید برای جایی که در آن باقی نمی‌ماند بنایی بسازد و مشغول جمع‌آوری چیزهایی بشود که توان استفاده آن را ندارد(نهج البلاغه، سید کاظم ارفع، خطبه ۱۱۳).

دنیا در عقیده امام(ع) سراسر پر از زخارف و زینت‌هایی است که رنج‌ها و بلاها و فتنه‌های دنیا را می‌پوشاند و آن را برای اهل دنیا زیبا جلوه می‌دهد و خطاب به انسان تنبیه‌هایی دارند که مبادا به برق و زیبایی‌های دنیا فریفته شود که همانا زیبایی‌های دنیا

خالی و گفتار او دروغ است. چراکه خود همواره در حال تغییر و زوال است (ملافتح کاشانی، ۱۳۷۸، ج ۲، خطبه ۲۷۲: ۲۱۵).

و از خطبه‌های حضرت است که در آن می‌فرمایند:

«چه ستایم خانه‌ای را که آغاز آن رنج بردن است، و پایان آن مردن. در حلال آن حساب است، و در حرام آن عقاب. آن که در آن بی نیاز است، گرفتار است، و آن که مستمند است اندوهبار. آن که در پی آن کوشید بدان نرسید، و آن که به دنبال آن نرفت، او رام وی گردید. آن که بدان نگریست، حقیقت را به وی نمود، و آن که در آن نگریست، دیده‌اش را بر هم دوخت» (خطبه ۸۲)

«... کسی از نعمت آن در سروری نبود، جز که پس آن اشکی از دیده‌هایش پالود، و روی خوش به کسی نیاورد، جز آنکه با سختی و بدحالی پشت بدو کرد، و باران آسایشش بر کسی نبارید، جز آنکه با رگبار بلایش بیازارید، و در خور دنیاست که اگر بامداد یاور کسی بود، شامگاهش ناشناس انگارد، و اگر از سوئی گوارا و شیرین است، از سوی دیگر تلخی و مرگ با خود آرد. کسی از نعمت آن طرفی نبندد، جز آنکه از مصیبت‌هایش بدو رنجی رسد و شامگاهان زیر پر آسایشش نخسبد، جز آنکه بامدادان شاهبال بیم بر سر او فرو کوبد. سخت فریبنده‌ای است و فریبا است آنچه در آن است، سپری شونده است و سپری است هر که بر آن است. توشه نیک از آن نتوان برداشت جز پرهیزگاری و ترس از پروردگار. کسی که از دنیا کم‌تر بهره بردارد، از آنچه موجب ایمنی اوست بیش‌تر دارد، و آن که از دنیا نصیب بیش‌تر گیرد، از آنچه موجب هلاک اوست بیش‌تر گرفته و به زودی زوال پذیرد...» (خطبه ۱۱۱)

این موارد نمونه‌هایی هستند از جمله بیانات حضرت در باب نکوهش دنیا و توجه ایشان به وجود شرور در آن. البته شایان توجه است که عقاید امام در بستر دینی اسلام ابراز شده و جهان‌بینی امام را نمی‌توان به عنوان یک مؤلفه جدا از مبانی دینی نگاه کرد. بدیهی است که این عقاید را نه تنها نمی‌توان به عنوان یک عقیده شخصی بلکه حتی باید

این دیدگاه‌ها را به عنوان دیدگاه غالب تشیع هم دانست. امام در رابطه با چرایی شرور موجود در دنیا پاسخ‌هایی را هم مطرح فرموده که تنها با توجه به جهان بینی ایشان امکانپذیر است.

اکنون برای روشن تر شدن مسأله به بررسی مواردی که به نظر می‌توانند به عنوان پاسخ‌های امام(ع) در رابطه با دلایل وجود شرور در نظر گرفته شوند می‌پردازیم.

شاهد قرآنی: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُخْسِرُونَ﴾ (هود/۱۵)

این آیه در گام اول تهدیدی علیه کفاری است که زندگی اخروی را جدی نگرفته و بیش از حد درگیر دنیا بوده و از نعمت‌های اخروی چشم می‌پوشند(طباطبایی، ج ۱۰: ۱۷۶).

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ﴾ (عنکبوت/۶۴)

۶. امتحان الهی

الف. یکی از عوامل مهم ایجاد کننده شرور در دیدگاه اسلامی شیطان است که طبق باورهای دینی، خداوند خواسته او را مبنی بر ابقائش در دنیا برای تلاش در جهت گمراه‌سازی انسان‌ها پذیرفت. به عقیده امام(ع) خداوند به این دلیل شیطان را از مجال یافتگان قرار داد تا بدین وسیله امتحان را بر بندگان تمام کرده و خوبان و نیکان را از بدان و کافران تفکیک نماید تا حجت را بر خود آن‌ها تمام نماید(مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۸۶).

ب: به نظر امام(ع) خداوند انسان‌ها را با ترس و بیماری و انواع رنج‌ها گرفتار کرده است تا ایشان را امتحان نماید و خداوند هر یک از بنده‌های خود را به وسیله ضعف‌ها و صفات منفی که در خود دارند، می‌آزماید.

به عنوان مثال افراد مستکبر و مغرور را به توسط اولیاء الهی که معمولاً از طبقات مستضعف هستند می‌آزماید و همچنین از معنای برخی از جمله‌های امام برمی‌آید که امتحانات الهی به این سبب گریبان انسان را می‌گیرد تا او را با زیر و زبر کردن‌های فراوان در ناملازمات و ناخوشی‌ها پاک و خالص گرداند(نهج البلاغه، ترجمه سید کاظم ارفع، خطبه ۲۳۴: ۸۶۹).

انسان به علت نادانی و جهل نسبت به حکمت برخی افعال الهی آن‌ها را ناعادلانه و بی‌فایده می‌دانند حال آنکه آزمایش‌ها و امتحان‌های الهی نیز غایت و هدفی دارند که آن‌ها را توجیه می‌کند. اساساً شروع در این دنیا که یکی از اقتضائات اجتناب ناپذیر آن است برای امتحان بشر قرار داده می‌شوند و آدمی با دیدن آن‌ها به دنیا دل‌بسته و راضی نگردد و گرنه بیش‌تر گرفتار آن‌ها خواهد شد. به عبارتی اگر هوای نفس را اطاعت کنند گرفتار می‌شوند، پس راه‌حل نجات پیروی نکردن از هوای نفس است (نهج البلاغه، شرح ابن میثم، ج ۲، خطبه ۶۰: ۳۴۲).

حال ممکن است که این سؤال پیش بیاید که این امتحان‌ها و آزمایش‌های فراگیر چه ارتباطی با عدل خداوند دارند؟ در حالی که او به ضعف و ناتوانی آن‌ها آگاهی دارد؟ امام معتقد هستند که با توجه به وجود حیات جاویدان انسان‌ها در آخرت و زیست آن جهانی به نتایج عمیق‌تر و باقی‌تری از تحمل این شدت‌ها و رنج‌ها و امتحانات نائل خواهد آمد؛ یعنی فرد به میزان رنجی که در دنیا تحمل کرده است در آخرت پاداش خواهد گرفت و هرچه این رنج شدیدتر و دشوارتر باشد، پاداش اخروی آن هم بزرگ‌تر خواهد بود (نهج البلاغه، ترجمه مکارم شیرازی، ج ۲، خطبه ۱۹۲: ۳۰۳).

شاهد قرآنی: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (الدهر/ ۲)

۷. پاک شدن از گناه و تربیت و تعالی انسان

امام هنگامی که یکی از یاران خود را که در بستر بیماری افتاده بود عیادت می‌کرد. چنین ابراز داشتند که گویی بیماری و رنج برای برخی از انسان‌ها به منزله صابونی است که چرک گناه را از جسم و روح آدمی پاک می‌کند. البته ایشان اذعان دارند که خود نفس بیماری اجر و مزدی ندارد و لیکن این ثمره مهم را برای انسان به همراه دارد که گناهان او را مثل برگ درختان می‌ریزند (نهج البلاغه، ترجمه سید کاظم ارفع، حکمت ۴۰: ۱۲۰۴).

گاهی سختی دیدن‌ها و تحمل شکست‌ها و رنج‌ها و مشقات موجب ورزیدگی و کارآمدی انسان می‌شود و به علاوه ثواب و پاداش اخروی هم دارد (آل صادق و فرج الله، ۱۳۶۶: ۴۳).

زندگی و حیات در این دنیا با توجه به محدودیت‌های آن، دوران ورزیدگی و آمادگی برای دنیایی است که بقای آن بیش‌تر و دوام آن همیشگی است. این دنیا همچون میدان مسابقه‌ای است که مزد برندگان آن بهشت است و خسارت بازندگان آن آتش (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۸۰).

شاهد قرآنی: ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ (الملك/

۲)

۸. مسأله مرگ و حیات پس از مرگ

مرگ از جمله مباحث بسیار مهمی است که نقش اساسی در اندیشه فرد در باب شرور دارد چراکه برای برخی از انسان‌ها مرگ به منزله نابودی و زوال است. این دیدگاه حتی در بدو امر و تنها با اندیشه در باب مرگ و میر می‌تواند منجر به یاس و ناامیدی افراد شود. اما در ادیان الهی این تلقی وجود دارد که در پس مرگ حیات دیگری هست (مجموع نویسندگان، ۱۳۷۸: ۲۱۹).

امیر المؤمنین (ع) تأکید فراوانی بر توجه به مرگ و یادآوری مدام آن است. آنگونه که در خطبه ۲۱ چنین می‌فرماید:

«منزلگاه آخرین پیشاپیش شماست، و مرگ سرود خوانان در پس. سبکبار باشید تا زودتر برسید، که پیش رفتگان را بداشته‌اند، و در انتظار رسیدن شما نگاه داشته‌اند» (خطبه ۲۱)

اگر در دنیا نیازمند گردآوردن اعمال نیک برای دنیای دیگر است. پس چنین به نظر می‌رسد که اصل و مقصد آن دنیای دیگری است و جایگاه واقعی قرار هم آن است. آنچنان که حضرت (ع) می‌فرماید:

«... یاد مرگ از دل‌های شما رفته است و آرزوهای فریبنده جای آن را گرفته. دنیا بیش از آخرت مالکتان گردیده و این جهان، آن جهان را از یادتان برده. همانا شما برادران دینی یکدیگرید، چیزی شما را از هم جدا نکرده، جز درون پلید و نهاد بد که با آن به سر می‌برید. نه هم را یاری می‌کنید، نه خیر خواه هم‌اید، نه به یکدیگر چیزی می‌بخشید، و نه با هم

دوستی می‌ورزید. شما را چه می‌شود که به اندک دنیا، که به دست می‌آورد، شاد می‌شوید، و از بسیار آخرت، که از دستتان می‌رود، اندوهناک نمی‌گردید و اندک دنیا را که از دست می‌دهید، ناآرامتان می‌گرداند، چندان که این ناآرامی در چهره‌هاتان آشکار می‌شود، و ناشکیبا بودن از آنچه بدان نرسیده‌اید، پدیدار.

گویی که دنیا شما را خانه اقامت و قرار است، و کالا و سود آن همیشه برای شما پایدار. چیزی شما را باز نمی‌دارد، از آنکه عیب برادر- دینی- خود را - که از آن بیم دارد- رویاروی او بگویید، جز آنکه می‌ترسید، او همچنان عیب را- که در شماست- به رختان آرد.

در واگذاشتن آخرت و دوستی دنیا با هم یک‌دل‌اید، و هر یک از شما دین را بر سر زبان دارید. چنان از این کار خشنودید که کارگری کار خود را به پایان آورده، و دوستی خداوند خویش را حاصل کرده» (خطبه ۱۱۳)

بنابراین دیدگاه مرگ نمی‌تواند به عنوان مصداقی از مصادیق شوروی اخذ شود بلکه شوروی واقعی حیات در یک دنیای مادی است که توأمان با رنج و بیماری و فقدان است. مرگ گذرگاهی است که انسان را به سوی حیات غیر مادی و باقی راهنمایی می‌کند. البته بدیهی است که این گذرگاه برای افرادی که در حیات دنیای‌شان موازین دینی را ارج ننهاده‌اند گذرگاهی همراه با سختی خواهد بود. آن‌هایی که در حیات این جهانی‌شان تمام تلاش خود را مصروف گردآوری امکانات مادی کرده‌اند، دچار مشکلاتی خواهند شد. «مردم همانا دنیا خانه‌ای است رهگذر و آخرت سرایی است پایدار، پس از گذرگاه خود- توشه- بردارید برای جایی که در آن پایدارید. و مدیریت پرده‌های یکدیگر نزد آن کس که می‌داند نهان شما را- از شما بهتر- برون کنید از دنیا دل‌هاتان را از آن پیش که برون رود از آن تن‌هاتان. شما را در دنیا آزموده‌اند و برای جز دنیا آفریده‌اند.

«آدمی چون بمیرد مردم گویند چه نهاد، و فرشتگان گویند چه پیش فرستاد خدا پدران‌تان را بیمارزاد اندکی پیش فرستید تا برای شما ذخیرت بودن تواند. و همه را مگذارید که وبال آوردن بر گردنتان بماند» (خطبه ۲۰۳).

«آماده شوید، خداتان بیامرزاد که بانگ کوچ را سر دادند، و دل به ماندن در دنیا اندک ببندید،- که کاروانیان به راه افتادند- و بازگردید و راه بسپارید با آنچه از توشه نیکو در دسترس دارید. که پیشاپیش شما گردنه‌ای است دشوار گذر و منزل‌های ترسناک و هراس آور، ناچار بدان گردنه‌ها باید بر شدن و بدان منزل‌ها در آمدن و ایستادن، و بدانید که چشم انداز مرگ به شما نزدیک است گویی شما را در چنگ گرفته و چنگال‌های خود را در شما فرو برده، در حالی که در آن با دشواری‌ها در گیرید، و در چنگ مشکلات اسیر. پس پیوندهای خود را با دنیا ببرید و پرهیزگاری را پشتیبان خود کنید و چون توشه‌ای همراه خویش برید» (خطبه ۲۰۴)

همانقدر که دنیا محل فقدان‌ها و ناملایمات است و در معرض زوال و نابودی است، بهشت ماندگارتر و سرشار از وجدان نعمت‌هاست و همانگونه که امام در خطبه ۸۵ می‌فرماید:

«... پایه‌هایی فروتر و برتر، منزل‌هایی برخی از برخی بهتر، نه نعمت آن بریده گردد، و نه باشنده آن از آنجا رخت بریندد. نه آن که در آن جاودان است پیر شود، و نه آن که در آن ساکن است فقیر» (خطبه ۸۵)

شواهد قرآنی فراوانی برای این عنوان وجود دارد که نمونه آن‌ها آیات زیر است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (البقره/۶۲)
 ﴿وَالذَّارَاتُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (اعراف/۱۶۹)

نتیجه بحث

همانگونه که در طول پژوهش دریافتیم، امام نه تنها وجود شرور در دنیا را نفی نمی‌کند بلکه مردم را از دنیا به سبب وجود همین شرور در آن پرهیز می‌دهند. لازم به تذکر است که این پرهیز دادن هرگز به معنای گوشه گیری نیست بلکه به معنای توجه بیشتر به حیات جاوید است. این شرور به سبب مادی بودن جهان قابل انفکاک از دنیا نیستند، و از آنجایی که هیچ فعلی از خداوند وجود ندارد که عبث و بیهوده باشد، تمامی

شرور بر مبنای حکمت خداوند هر کدام دارای حکمتی هستند و دلایل ظهور شرور در دنیا می‌تواند به دلایلی همچون امتحان الهی، پاک شدن از گناه و ورزیدگی انسان باشند. مرگ از جمله مصائبی است که نابسامان بودن دنیای مادی را به انسان یادآوری می‌کند و ماندگار نبودن آن را خاطرنشان می‌کند. اما در پس مرگ حیاتی وجود دارد که ماندگار است و برای انسان‌های مؤمن بسیار دلنشین و عاری از درد و بیماری است. از این رو یادآوری مرگ از جانب امام(ع) بسیار توصیه شده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- آل صادق، محمدرضا و احمد وائلی و احمد فرج الله. ۱۳۶۶ش، **یادنامه علامه شریف رضی، بی جا:** پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- پترسون، مایکل و ویلیام هاسکر و بروس رایشنباخ و دیوید بازینجر. ۱۳۸۳ش، **عقل و اعتقاد دینی.** تهران: طرح نو.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین. ۱۳۵۵ش، **نهج البلاغه**، ترجمه و شرح عزالدین جعفر بن شمس الدین آملی، بی جا: امور فرهنگی و اجتماعی آستان قدس رضوی.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین. ۱۳۶۶ش، **نهج البلاغه**، ترجمه اسدالله مبشری، جلد ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین. ۱۳۷۵ش، **نهج البلاغه**، ترجمه و شرح میثم بن علی بن میثم، جلد ۲، مشهد: پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین. ۱۳۷۸ش، **تنبيه الغافلین**، ترجمه ملافتح کاشانی، جلد ۲، تهران: انتشارات پیام حق.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین. ۱۳۷۹ش، **نهج البلاغه**، ترجمه حسین انصاریان، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین. ۱۳۷۹ش، **نهج البلاغه**، ترجمه سید کاظم ارفع، تهران: انتشارات فیض کاشانی.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین. ۱۳۹۴ش، **نهج البلاغه**، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین. بی تا، **ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه**، ترجمه محمدرضا آشتیانی و محمدجعفر امامی، جلد ۲، قم: انتشارات مطبوعاتی هدف.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۲ و ۱ و ۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قرشی بنایی، سیداکبر. ۱۳۷۷ش، **مفردات نهج البلاغه**، تهران: نشر قبله.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۵ش، **پیام امام؛ شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه**، جلد ۱ و ۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مقالات

- تبار صفر، صفدر. ۱۳۸۴ش، «مسأله شر»، معرفت، شماره ۸۸، صص ۸۹-۱۰۰.
- حسینی شاهرودی، سیدمرتضی و کوکب دارابی. ۱۳۹۵ش، «پاسخ‌های فلسفی ملاصدرا و آگوستین به مسأله شر»، الهیات تطبیقی، شماره ۱۵، صص ۱-۱۴.
- نصری، عبدالله و مجتبی اعتمادی نیا. ۱۳۹۲ش، «صورت‌بندی‌های مسأله شر در آثار فیلسوفان با تکیه بر آراء فارابی، ابن سینا، سهروردی، ملاصدرا»، آموزه‌های فلسفه اسلامی، شماره ۱۲، صص ۱۱۷-۱۴۰.

Bibliography

- The Holy Quran.
- Al-Sadegh, Mohammad Reza and Ahmad Waeli and Ahmad Farajullah. 1987, Memoirs of Allameh Sharif Razi, no place: Islamic Studies of Astan Quds Razavi.
- Patterson, Michael and William Hasker and Bruce Reisenbach and David Basinger. 2004, Religious Reason and Belief. Tehran: Tarhe No
- Sayed Razi, Abu al-Hasan Muhammad ibn al-Husayn. 1976, Nahj al-Balaghah, translated and explained by Izz al-Din Ja'far ibn Shams al-Din Amoli, no place: Cultural and Social Affairs of Astan Quds Razavi.
- Sayed Razi, Abu al-Hasan Muhammad ibn al-Husayn. 1987, Nahj al-Balaghah, translated by Assadollah Mobasheri, Volume 2, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Sayed Razi, Abu al-Hasan Muhammad ibn al-Husayn. 1996, Nahj al-Balaghah, translation and commentary by Maysam ibn Ali ibn Maysam, Volume 2, Mashhad: Islamic Studies of Astan Quds Razavi.
- Sayed Razi, Abu al-Hasan Muhammad ibn al-Husayn. 1999, Tanbih Al-Ghafliin, translated by Mullah Fath Kashani, Volume 2, Tehran: Payam Hagh Publications.
- Sayed Razi, Abu al-Hasan Muhammad ibn al-Husayn. 2000, Nahj al-Balaghah, translated by Hossein Ansarian, Tehran: Payam Azadi Publications.
- Sayed Razi, Abu al-Hasan Muhammad ibn al-Husayn. 2000, Nahj al-Balaghah, translated by Seyed Kazem Arfa, Tehran: Feyz Kashani Publications.
- Sayed Razi, Abu al-Hasan Muhammad ibn al-Husayn. 2015, Nahj al-Balaghah, translated by Seyyed Jafar Shahidi, Tehran: Scientific and cultural publications.
- Sayed Razi, Abu al-Hasan Muhammad ibn al-Husayn. No date, illustrative translation and concise description of Nahjul Balagha, translated by Mohammad Reza Ashtiani and Mohammad Jafar Emami, Volume 2, Qom: Hadaf Press
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1417 AH, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, vols. 2, 10 and 14, Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association.
- Qarashi Banai, Seidakbar. 1998, the contents of Nahj al-Balaghah, Tehran: Qibla Publishing.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1996, Imam's message; A fresh and comprehensive description of Nahj al-Balaghah, Volumes 1 and 2, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya.

Articles

Tabar Safar, Safdar. 2005, "The Problem of Evil", Merefat, No. 88, pp. 89-100.

Hosseini Shahroudi, Seyed Morteza and Kokab Darabi. 2016, "Philosophical Answers of Mulla Sadra and Augustine to the Problem of Evil", Comparative Theology, No. 15, pp. 1-14.

Nasri, Abdullah and Mojtaba Etemadi Nia. 2013, "Formulations of the problem of evil in the works of philosophers based on the views of Farabi, Ibn Sina, Suhrawardi, Mulla Sadra", Doctrines of Islamic Philosophy, No. 12, pp. 117-140.

Natural villain in material life from the point of view of Nahj al-Balaghah and its Quranic evidences

Zahra Karimi

MA in Philosophy of Religion, Allameh Tabatabai University

Manouchehr Ghasemi

PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Abstract

In dealing with unpleasant things such as pain, suffering, sorrow, disease and death and all kinds of disasters, one realizes that the world and the universe in front of him is full of adversities that can affect his mind as well as his body. It was the philosophers who dealt with these unpleasant things and thought about the villain of its rational justification. There are many opinions of Western and Islamic thinkers in this regard, but we found it necessary to search for this important thing in the thought of Amir al-Mu'menin (AS) in Nahj al-Balaghah to find what is the position and justification of the issue of evil as one of the atheists' excuses from the language of religious leaders such as Islam? In the end, it should be noted that they do not deny the existence of natural and metaphysical villain, but consider it as a requirement of the material world and, in addition, do not consider any aspect of moral villain. In the case of natural and metaphysical villain, It should be said that according to divine wisdom, the existence of this villain in the universe is also to achieve goals, including divine tests and trials and purification from sin. So that he can better prepare himself for the established and eternal world and choose a paradise that is free from decay and all kinds of villain.

Keywords: Nahj al-Balaghah, Issue of evil, World, Death, Paradise, Quranic witness.